

کاشفیت تحدی قرآن بر امتناع وقوعی آن، براساس محاسبه ریاضی

عبدالرضا سلامی زواره*
حسن سعیدی**

چکیده

بی تردید قرآن کریم، به عنوان معجزه مهم و جاوید پیامبر اکرم، همانند هر معجزه‌ای، شرایط خاصی دارد که از جمله آن‌ها «تحدی» یا مبارزه طلبی در هر زمینه‌ای به ویژه محاسبات ریاضی است. این مسئله در این نوشتار با روش تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای بررسی می‌شود که در آن علاوه بر بیان شرایط معجزه (به ویژه تحدی)، به تبیین دیدگاه‌های مختلف در رابطه با علت ناتوانی انسان از آوردن سوره یا کتابی همانند قرآن (به عنوان تحدی) می‌پردازد. مطابق یافته‌های تحقیق، محاسبات ریاضی در خصوص تعداد جملات (فصحیح و بلیغ) احتمالی (حاصل از لغات عربی) نشان می‌دهد که علاوه بر دو نظریه «صرفه» (ناتوان شدن انسان توسط خداوند) و دیدگاه مقابل آن (امتناع ذاتی و ناتوان بودن انسان)، دیدگاهی دقیق‌تر است که معتقد به امتناع وقوعی باشد که علت ناتوانایی بشر از آوردن مثل قرآن، درواقع نبودن متنی در حد و اندازه آن است، نه عدم توانایی او و تحدی قرآن کاشف از نبود چنین متنی است.

واژگان کلیدی

قرآن، تحدی، معجزه، امتناع ذاتی، امتناع وقوعی.

طرح مسئله

یکی از راه‌های اثبات نبوت انبیاء (و ائمه علیهم‌السلام)، ارائه معجزه است؛ و این مهم براساس آیات متعدد در قرآن کریم و نیز شواهد تاریخی امری قطعی و مسلم است. در هر زمان و در میان اقوام مختلف، معجزات گوناگونی به دست انبیاء الهی صورت پذیرفته است. در این مقاله ما سعی داریم که به اموری مانند:

- تعریف و شرایط معجزه و تفاوت آن با کرامت یا سحر و...؛
- علت اختلاف معجزات در ادوار مختلف تاریخی و اقوام گوناگون؛
- میزان دوام معجزات در طول تاریخ (از لحاظ تأثیر و تکرار)؛
- تفاوت در میزان اثرگذاری معجزات؛
- امکان تکرار آن (از لحاظ تکوینی)؛
- بررسی علل طبیعی یا غیرطبیعی آن (براساس قانون علیت)؛
- نوع اعجاز در قرآن؛
- بررسی مذهب صرفه و مذهب رایج در میان دانشمندان و متکلمان شیعی؛
- عجز مردم در معجزات و به‌ویژه در قرآن، از نوع امتناع وقوعی است یا ذاتی؛
- بررسی عقلی و ریاضی تعداد جملات فصیح و بلیغ (با کلمات محدود) در زبان عربی؛
- و... پردازیم.

براساس بررسی‌ها و جستجوهای انجام‌شده، تاکنون اثری در قالب مقاله، کتاب یا سخنرانی در خصوص موضوع موردبحث ارائه نشده است و ما در این نوشتار درصدد اثبات دیدگاهی سوم در مقابل دو دیدگاه اصلی مطرح‌شده (مذهب صرفه و مخالفان آن) در خصوص عجز مردم در برابر تحدی یک معجزه، هستیم.

لازم به ذکر است که ما درصدد اثبات تحدی یا چیزی شبیه آن نیستیم و تنها پس از اثبات معجزه بودن قرآن و قبول تحدی، به تبیین و توضیحی در خصوص این تحدی می‌پردازیم و به تعبیر دیگر استدلال ما جنبه کاشفیت دارد؛ یعنی این تحدی کاشف از آن است که ناتوانی از آوردن مثل قرآن به دلیل نبودن متنی همانند آن است نه نتوانستن و هر آن متنی که در بالاترین سطح (از هر لحاظ) وجود داشته در این کتاب آمده است.

۱. معجزه و شرایط آن

در کتاب‌های کلامی، شرایط صحت یک عمل به‌عنوان معجزه، در تعریف آن گنجانده شده است و

به تعبیر دیگر، معجزه عبارت از است جمع تمامی شرایط معجزه در یک عبارت. البته شرایط ارائه شده از سوی دانشمندان و متکلمان از لحاظ تعداد، متفاوت است و علت خرده‌گیری به تعاریف یکدیگر و نیز اختلاف نظر آنها نیز، پذیرش ضرورت یا عدم ضرورت بودن یا نبودن یک یا چند شرط، در اعجاز نامیدن یک عمل است.

بی‌شک بررسی این نوع اختلافات (به دلیل ناسازگاری با موضوع مقاله و نیز طولانی شدن مطلب) از موضوع مورد بحث خارج بوده و ما به جهت جمع میان دیدگاه‌های مختلف و پرهیز از اشکالات و نقدهای احتمالی، تعریفی را ارائه می‌کنیم که توسط متکلمان ارائه شده و همه شرایط را در برمی‌گیرد. یادآوری این نکته درخور اهمیت است که عدم پذیرش یک شرط از سوی برخی از اندیشمندان به معنای عدم ضرورت آن شرط، به عنوان شرط قبول معجزه بودن یک عمل است نه اینکه آن شرط اضافی باعث ایجاد خللی در تعریف معجزه می‌شود.

براساس دیدگاه منطقیان، تعریف یک واژه باید جامع افراد و مانع اغیار باشد. از این رو تعریف باید به گونه‌ای باشد که از یک سو شامل تمامی انواع معجزات شود و از دیگر اموری مانند کرامت و سحر و... را خارج سازد.

۱-۱. تعریف معجزه

الف) معنای لغوی

معجزه از عجز به معنای کوتاه آمدن از امری و یا ترک یک شیء و پرداختن به کار دیگر است:

عَجَزَ يَعْجِزُ عَنِ الْأَمْرِ إِذَا قَصَرَ عَنْهُ وَ... وَ عَاجَزَ الْقَوْمُ: تَرَكَوا شَيْئاً وَ أَخَذُوا فِي غَيْرِهِ.
(ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۳۶۹؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۷)

اینکه که کسی عاجز شد یا عاجز می‌شود از چیزی، زمانی اتفاق می‌افتد که آن شخص از آن کار کوتاه آمده و منصرف شود... و عاجز شدن قوم یعنی آن قوم امری را ترک کرده و منصرف شوند و کاری دیگری را پیش گیرند.

اعجاز، مصدر باب افعال و به معنای به ناتوانی کشاندن دیگری است و به همین معنا در قرآن نیز بکار

رفته است:

... وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ. (توبه / ۲)

و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد.

ب) معنای اصطلاحی

در علم کلام معانی مختلف و شرایط متعددی از سوی متکلمان برای «معجزه» ارائه شده است که به جهت اختصار، تعریفی جامع (و حداکثری) از واژه معجزه به همراه شرایطی که عموماً از سوی دانشمندان بیان شده است ارائه می‌کنیم:

«معجزه عملی است «خارق‌العاده» (در جهت «اثباتی یا سلبی») که دیگران از آوردن آن عاجز بوده و با «اراده و اذن الهی» و به‌دست نبی (امام) به منظور «اثبات نبوت (امامت)» و صدق «ادعا» او (و مطابق و هم‌زمان با آن ادعا) و در «زمان تکلیف بشر» صورت گرفته و همراه با «تحدی» باشد.» (ر.ک: آمدی، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۸ - ۱۷؛ رضایی، ۱۳۸۱: ۸۳؛ محمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۴ - ۳۶۳؛ هیتو، ۱۴۲۱: ۲۱؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۴۰ - ۱۳۸؛ شافعی، ۱۴۲۵: ۱۶۸ و ۲۰۱ - ۲۰۰)

در بررسی هر کدام از شروط مذکور و تحلیل واژه‌های به‌کاررفته در تعریف فوق می‌توان گفت:

۱. **خارق‌العاده:** معجزه باید عملی غیرعادی بوده و برای مردم، جدید و شگفت‌انگیز باشد.
 ۲. **اثباتی یا سلبی:** معجزه می‌تواند عملی اثباتی بوده که قبلاً انجام نشده باشد (تبدیل عصا به مار) یا جلوگیری از کاری باشد که همگان قادر به انجام آن هستند (مانند عدم تکلم زکریا علیه السلام به مدت سه روز).
 ۳. **اراده و اذن الهی:** معجزه عملی است که باید منتسب به حق تعالی بوده با اذن و اراده قاهره او انجام شود (و این به منظور اثبات صدق انتساب نبی به اوست) لذا (برخلاف سحر) همراه با آموزش نیست.
 ۴. **اثبات نبوت (امامت) و صدق ادعای او:** معجزه علاوه بر اثبات نبوت نبی (امام و رسول)، صدق ادعاهای او را نیز اثبات می‌کند.
 ۵. **مطابق و هم‌زمان با ادعا باشد:** معجزه نبی، هم باید مطابق با ادعای او بوده و او را تکذیب نکند (مثلاً اگر گفت این عصا مار می‌شود دقیقاً به مار تبدیل شود نه چیزی دیگر یا خلاف آن) و نیز این عمل باید هم‌زمان با ادعای نبوت باشد و مثلاً عملی که قبلاً انجام داده است را دلیل بر نبوت کنونی خود نداند.
 ۶. **در زمان تکلیف بشر باشد:** به این معنا که در نزدیکی قیامت که زمان تکلیف بشر به پایان رسیده صورت نگیرید زیرا هدف از ارسال نبی و به‌تبع آن آوردن معجزه توسط او منتفی شده است.
 ۷. **تحدی یا مبارزه‌طلبی:** معجزه (برخلاف سحر و کرامت و...) با تحدی همراه است و این به‌دلیل اطمینان از صحت انتساب آن به حق تعالی و اثبات نبوت نبی است. (ر.ک: همان) البته باید اضافه کنیم که، معجزه علاوه بر صدق ادعای نبی و اثبات عصمت او، صحت و صدق خود را نیز به اثبات می‌رساند. در این راستا توجه به چند نکته ضروری است:
- نخست اینک: اعمال خارق‌العاده‌ای مانند سحر، قابل تحدی (و ابطال) بوده و همراه با آموزش است و

ساحر، تنها همان موارد آموزش دیده را می‌تواند انجام دهد نه آنچه مردم طلب می‌کنند. علاوه بر اینکه در برخی موارد، سحر، عملی واقعی نیست و تنها تصرف در چشم و نگاه مردم است: «قَالَ أَتَقُوا فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُ بِسِحْرِ عَزِيمٍ؛ موسی گفت شما بیفکنید و هنگامی که [وسایل سحر خود را] افکندند مردم را چشم‌بندی کردند و ترسانیدند و سحر عظیمی به‌وجود آوردند» (اعراف / ۱۱۶) درحالی‌که معجزه عملی واقعی است. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۱: ۶۳)

نکته دوم: کرامت‌هایی که توسط اولیا الهی و ائمه علیهم‌السلام و... صورت می‌گیرد هرچند انتسابی الهی و براساس قرب به او انجام شده و عملی واقعی است اما هیچ‌گاه همراه با تحدی و اثبات یا ادعای نبوت یا امامت نیست (همان‌گونه که اموری مانند سحر نیز با این ویژگی همراه نیست). (همان: ۶۵)

بنابراین محتمل است دو عمل مشابه از نبی یا امام، صادر شود که یکی همراه با ادعا و تحدی و... است اما دیگری این ویژگی‌ها را نداشته باشد که عمل اول را معجزه و عمل دوم را (که شبیه آن است) کرامت می‌نامند (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۷ - ۳۶۶) البته باید توجه داشت که هر آنچه از غیر پیامبران یا ائمه علیهم‌السلام صادر می‌شود قطعاً کرامت است.

نکته سوم: معجزه، گرچه امری خلاف عادت است اما خلاف عقل و خرد نیست، زیرا امور عقلی یا از محالات است و یا واجبات که هر دو همراه با استدلال هستند اما صورت سوم از احکام عقلی، اموری است جایز، به این معنا که عقل در برابر آنها ساکت بوده و هیچ حکمی ندارد (نه اثباتاً و نه نفیاً) بلکه آن را امری امکانی می‌داند (هرچند نتواند آن را اثبات نماید) و معجزه از این قسم به شمار می‌رود. (هیتو، ۱۴۲۱: ۲۱)

نکته چهارم: خلاف عادت بودن یک معجزه باید در زمان اجرای آن باشد بنابراین اگر عملی در زمانی خارق عادت و در زمان‌های آینده براساس پیشرفت‌های علمی، عادی شده باشد بی‌اشکال است.

۲-۱. علت اختلاف معجزات

در برخی از روایات تنوع معجزات انبیا به دلیل اقتضا زمان و مکان و به تعبیر دیگر نوع پیشرفت آن قوم تبیین شده است؛ به‌عنوان مثال در زمان حضرت موسی علیه‌السلام، سحر، در مرحله پیشرفته‌ای بود و غلبه داشت لذا معجزه آن حضرت شبیه به آن، اما واقعی و نه تصرف در چشم‌ها «فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ؛ موسی گفت شما بیفکنید و هنگامی که [وسایل سحر خود را] افکندند مردم را چشم‌بندی کردند» (اعراف / ۱۱۶) بوده است؛ به‌گونه‌ای که ساحران به معجزه بودن آن اذعان کرده و ایمان آوردند و یا پیشرفت علم پزشکی در زمان حضرت عیسی علیه‌السلام اقتضا می‌کرد که ایشان معجزه‌ای مانند زنده کردن مردگان داشته باشد: «وَ أَخِي الْمَوْتِي يَأْذُنُ اللَّهِ؛ و به‌فرمان خدا مرده‌گان را زنده می‌کنم». (آل عمران / ۴۹) و فصاحت و

بلاغت در کلام عرب در زمان رسول الله ﷺ نزول قرآن را می‌طلبید (هرچند اعجاز قرآن تنها در فصاحت و بلاغت آن نیست). (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۶)

اقسام معجزه

معجزه را از زوایای مختلف به چند قسم می‌توان تقسیم کرد:

(الف) از یک منظر، معجزه یا اقتراحی است (و با درخواست مردم صورت می‌گیرد) یا غیر اقتراحی است (که بدون درخواست مردم است مانند قرآن).

(ب) از جهتی دیگر، معجزه را می‌توان به دو قسم حسی (عصای حضرت موسی ﷺ) و عقلی (قرآن) تقسیم کرد.

(ج) و بالأخره می‌توان آن را به موقت (مربوط به زمان و مکان خاصی است مثل ناقه صالح) و دائمی یا باقی و جاودان (مربوط به همه زمان‌ها و مکان‌ها مانند قرآن) تقسیم نمود. البته معجزات موقت در صورتی که خبر آن به صورت قطعی (متواتر) به ما رسیده باشد برای ما حجت است اما معجزه دائمی به دلیل وجود کنونی آن، حجیتش نیز نیازی به اخبار مضاعف ندارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که اگر دین یا شریعتی، موقت باشد (مانند شریعت حضرت موسی یا عیسی ﷺ)، معجزه آن هم موقت است و اگر جاودان باشد [حداقل یک] معجزه آن نیز دائمی است (مانند قرآن در دین اسلام). (همان: ۶۷)

۳-۱. میزان دوام معجزات در طول تاریخ (از لحاظ تأثیر و تکرار) و تفاوت در میزان اثرگذاری آنها بی‌تردید میزان دوام معجزات از لحاظ موقتی یا دائمی بودن می‌تواند با میزان تأثیر آنها در زمینه‌های مختلف (زمانی یا تعداد افراد و...) مرتبط باشد؛ یعنی معجزات موقت، افراد محدودی را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما معجزه‌ای مانند قرآن، برای همگان و در همه زمان‌ها و مکان‌ها حجت بوده و تأثیرگذار است.

پرسش‌های مهمی که در این خصوص می‌توان مطرح کرد عبارت‌اند از:

- آیا تکرار ظاهر یک معجزه، در قالب کرامت امکان‌پذیر است؟

- اگر نمونه‌هایی همانند معجزات انبیاء گذشته (به‌عنوان کرامت) از سوی اولیاء الهی تکرار شود آیا

این حادثه می‌تواند در مورد قرآن نیز صادق باشد؟

- آیا تکرار گزاره‌هایی شبیه آیات قرآن (به‌عنوان آیه یا سوره) امتناع ذاتی دارد (که در این صورت

تکرار آن به‌صورت کرامت نیز محال است) یا دارای امتناع وقوعی است و عملاً هر آنچه از گزاره‌های

فصیح و بلیغ بود نازل شده و نمونه‌ای دیگر عقلاً قابل تکرار نیست و...؟

در ادامه به تبیین این پرسش‌ها و پاسخ‌های آنها خواهیم پرداخت.

۴-۱. آیا معجزه تکرارپذیر است؟

براساس دیدگاه بسیاری از اندیشمندان، معجزه انبیا خارج از قانون علیت نیست. به این معنا که معجزه نیز همانند دیگر پدیده‌های عالم خلقت، معلول بوده و نیازمند علت است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۷۶ - ۷۴)

اما آیا این علت الزاماً طبیعی و مادی است؟ آیا فقط امری مجرد است و یا می‌تواند ترکیب از این دو باشد؟

یک عمل مادی که در عالم طبیعت محقق می‌شود بی‌تردید دارای علل مادی است؛ اما باید توجه کرد که این علل را نمی‌توان علت تامه نامید و حداکثر، علل ناقصه یک امر طبیعی محسوب می‌شوند. توضیح اینکه اولاً بسیاری از امور که به‌عنوان علت یک شیء از آنها یاد می‌شود درواقع علل معد و یا شبیه آن هستند (نه علل واقعی) مانند علیت کشاورز در تولید میوه و این نوع علل را نمی‌توان علت ایجادی آن شیء نامید. ثانیاً علت ایجادی و حقیقی یک شیء مادی (علت تامه) از مجموعه‌ای از علل ناقصه تشکیل شده است که برخی از آن مادی و برخی الزاماً مجرد هستند (به این دلیل که هر پدیده مادی که در نظر گرفته شود، معلول علتی دیگر است و اولین علت در سلسله علل مادی نیز خود علتی غیرمادی دارد بنابراین می‌توان گفت که مجموعه‌ای از علل ناقصه که علت تامه را تشکیل می‌دهد حداقل دارای یک علت مجرد است). ثالثاً در نگاهی دقیق، از آنجایی که علل مجرد نیز دارای فقر وجودی بوده و جملگی محتاج به علت‌العلل هستند بنابراین می‌توان گفت که علت تامه همه مخلوقات در عالم تنها یک علت و آن هم حق تعالی است.

(صرف‌نظر از مطلب اخیر) هر معلولی می‌تواند علل تامه (علل جایگزینی) مختلفی داشته باشد (مثل اینکه حرارت اتاق می‌تواند بر اثر نور خورشید باشد یا آتش و یا...) که این تغییر و جایگزینی در علل تامه براساس تغییر و جایگزینی در علل ناقصه یک سلسله صورت می‌گیرد؛ بنابراین یک حادثه طبیعی که در حالت عادی (غالباً) با علل ناقصه طبیعی محقق می‌شود می‌تواند بر اثر تغییر در علل ناقصه آن و جایگزینی علت‌های مجرد به‌جای علل مادی در کمترین زمان ممکن و به‌صورت خارق‌العاده انجام شود و چون این جایگزینی از عهده عموم مردم خارج است آن را به‌صورت خارق‌العاده تلقی می‌کنند.

این امور خارق‌العاده بعضاً توسط افرادی که نبی یا رسول نیستند نیز صادر می‌شود مانند عرفا یا اولیاء و یا حتی ممکن است خارق‌العاده بودن یک پدیده براساس تغییر در برخی علل ناقصه طبیعی (خاص) صورت گیرد (که عموماً در طبیعت رخ نمی‌دهد) مانند عمل برخی از مرتاضان یا سحره و... .

البته تحقق برخی از امور خارق‌العاده به‌دست دیگران را (با توجه به اینکه دیگر شرایط معجزه را ندارد) نمی‌توان معجزه نامید.

در بیانی دقیق‌تر می‌توان گفت که با توجه به پیشرفت‌های علمی، بعضاً یک علت ناقصه (که توسط دانشمندان کشف یا اختراع شده است) می‌تواند جایگزین تعداد زیادی از علل ناقصه‌ای که درگذشته مرسوم بوده قرار گیرد؛ لذا امری که قبلاً در مدت زمان طولانی صورت می‌گرفت یا انجام آن براساس

علوم گذشتگان غیرممکن تلقی می‌شد، امروزه در مدت زمان بسیار کوتاه و به صورت شگفت‌انگیزی محقق می‌شود به طوری که اگر این عمل کنونی را به صورت ناگهانی ده‌ها یا صدها سال به عقب برگردانیم، مردمان آن زمان این عمل را شگفت‌انگیز یا خارق‌العاده می‌نامند درحالی‌که در زمان کنونی و برای انسان امروزی امری کاملاً عادی است.

حال سؤال این است که آیا با توجه به پیشرفت علمی بشر امروزی و یا در آینده، انجام برخی از معجزات انبیاء علیهم‌السلام از حالت خارق‌العاده، به عملی کاملاً عادی و معمولی تبدیل نخواهد شد و حداقل (به صورت محدود) توسط دانشمندان طبیعی تکرار نخواهد شد؟ و اگر سخن برخی از بزرگان که انجام آن را برای بشر (در هر زمانی) غیرممکن می‌دانند (صرف‌نظر از دیگر شرایط اعجاز) آیا با انجام (و یا احتمال انجام) آن توسط دانشمندان امروزی یا آینده، نمی‌تواند موجبات تزلزل در اعتقادات برخی از افراد را فراهم آورد؟ از این رو با پاسخی براساس منطق خرد، به مواجهه با این‌گونه شبهات باید پرداخت تا در افق زمان، امور مشابه و یا تکرار معجزات پیشین، تزلزلی در باورها ایجاد نکند. (پاسخ به این پرسش و شبهاتی از این دست در قسمت بررسی مسئله، تبیین می‌شود.)

۵-۱. ابعاد اعجازی قرآن

اعجاز در قرآن تنها به فصاحت و بلاغت متن آن منحصر نمی‌شود بلکه موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آنها را به‌عنوان اعجاز قرآن به شمار آورد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- فصاحت و بلاغت؛

- سبک و نظم خاص قرآن؛

- شیرینی و جذب خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن؛

- معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امی؛

- قوانین محکم قرآن؛

- برهان‌های عالی قرآن؛

- خبرهای غیبی از گذشته و آینده؛

- اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی)؛

- استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن)؛

- ایجاد انقلاب اجتماعی؛

- عدم اختلاف در آن؛

- صرفه؛

- مجموعه همه موارد. (رضایی، ۱۳۸۱: ۷۶ - ۷۲؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۰۷ - ۹۸؛ پهلوان و چینی‌فروشان، ۱۳۹۱: ۶۵ - ۴۷؛ جهت بررسی بیشتر در خصوص قرآن و معجزات و ویژگی‌های آن می‌توان به خطبه‌های ۱، ۱۸، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۸۳ و ۱۹۸ از نهج‌البلاغه اشاره کرد.) لازم به ذکر است که از سویی در اعجاز همه موارد (مجموعاً) یا برخی از آنها، میان علما اختلاف نظر وجود دارد و البته بهترین دیدگاه آن است که ما، همه (غالب) موارد فوق را در هر آیه از آیات قرآنی جستجو کنیم زیرا منحصر کردن اعجاز قرآن در موردی مثل فصاحت و بلاغت با تحدی آن نسبت به همه انس و جن (اسراء / ۸۸) که غالباً با زبان عربی آشنایی ندارند بی‌معناست و یا عدم اختلاف در آن (نساء / ۸۲) و تبیین همه امور در آن و تحدی علمی (انعام / ۵۹؛ نحل / ۸۹). (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۰۷ - ۹۸؛ ر.ک: رضایی، ۱۳۸۱: ۸۰ - ۷۷) و از سویی دیگر با پیشرفت علوم تجربی و غیر آن، می‌توان در آینده، معجزات دیگری نیز برای قرآن، پیش‌بینی کرد (مانند برخی محاسبات ریاضی در تعداد کلمات و نوع رابطه آنها با یکدیگر در پژوهش‌های اخیر محققان). (ر.ک: هیتو، ۱۴۲۱: ۳۶ - ۳۳)

۶-۱. بررسی «مذهب صرفه» و «مذهب رایج» و مشهور در میان دانشمندان و متکلمان شیعی

در بررسی تاریخی این دو مذهب (که در قسمت بعد توضیح می‌دهیم)، می‌توان گفت که «مذهب صرفه» (غالباً) مربوط به سده‌های اولیه بعد از دوران غیبت (و یا هم‌زمان با آن دوران) است که می‌توان به نظام معتزلی، ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی، سید مرتضی، ابواسحاق نصیبی، قطب‌الدین راوندی، خواجه نصیرالدین طوسی، علی بن عیسی رمانی، فخر رازی، ابن حزم و شیخ مفید اشاره کرد (میرمحمدی، ۱۳۷۰: ۵ - ۳) و از معاصران نیز می‌توان از راغب اصفهانی نام برد. (مؤدب، ۱۳۷۸: ۹)

در برابر این دیدگاه، نظریه دیگری قرار گرفته که مربوط به سده‌های بعد است به تعبیر دیگر، در آن دوران (تقریباً) جمله علمای اسلام، مذهب صرفه را (بی‌اشکال) پذیرفته‌اند اما دانشمندان، در سده‌های بعد، به شدت و بعضاً با تعابیری تند، این مذهب را باطل دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۷۳)

۷-۱. عجز وقوعی یا ذاتی

در بررسی دو مذهب فوق می‌توان گفت که عجز بشر از آوردن ماندی برای قرآن در «مذهب صرفه»، از نوع وقوعی است؛ به تعبیر دیگر، انسان‌ها ذاتاً (و از لحاظ توانایی ذهنی و عقلی) از آوردن مانند قرآن عاجز نبودند اما از زمانی که قرآن نازل شد، خداوند با تأثیر در اذهان بشر، آنها را از آوردن مانند آن منصرف کرد. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۶: ۲۷۰ - ۲۶۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۳؛ سید مرتضی، ۱۳۸۲: کل کتاب) اما مذهب مخالف، معتقد است که انسان‌ها قبل یا بعد از نزول قرآن، هیچ‌گاه نمی‌توانستند مانند آن را بیاورند و ذاتاً توان ذهنی و عقلی چنین

کاری را نداشته و از خلق چنین متنی عاجز بودند. برخی در رد مذهب صرفه گفته‌اند که:
اولاً: تحدی مربوط به امری است که بشر قدرت درک آن را هم ندارد درحالی که انسان‌ها در صورتی می‌توانند با امری مقابله کنند که آن را فهم و ادراک کرده باشند:

قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ، وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ، وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ. (یونس / ۳۹ - ۳۸)

بگو اگر راست می‌گویید یک سوره همانند آن بیاورید و هرکس را می‌توانید غیر از خدا [به یاری] بطلبید؛ [آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نمی‌کنند] بلکه آنها چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است.

ثانیاً: منظور این نیست که در قرآن اختلاف وجود دارد اما حق تعالی، قلوب را از آن منصرف نموده است بلکه قرآن ذاتاً دارای اختلاف در متن نیست:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ، وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ، لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. (نساء / ۸۲)
 آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن بسیاری اختلاف می‌یافتند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۱۱ - ۱۱۰)

اما مسلم آن است که براساس هریک از دیدگاه‌های فوق، هیچ انسانی در هیچ زمان و مکانی (تا قیامت) امکان آوردن متنی مانند آن را ندارد و به تعبیر دیگر هر دو دیدگاه در عجز وقوعی (حداقل بعد از نزول قرآن) اتفاق نظر دارند.

۸-۱. بررسی آیات تحدی

آیات تحدی در قرآن متعدد بوده و در سوره مکی و مدنی قابل مشاهده است (همان: ۹۳) اما در سه دسته از آیات، سه سطح از تحدی بیان شده است.

۱. در آیات: ۴۹ سوره قصص: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست) کتابی هدایت بخش‌تر از این دو بیاورید تا من از آن پیروی کنم». ۸۸ سوره اسراء: «قُلْ لَنْ أَجْتَمَعَ النَّاسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا؛ بگو ای پیغمبر اگر چنانچه انس و جن جمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند هرگز نتوانند هرچند همه پشتیبان یکدیگر باشند». و ۳۴ سوره طور: «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ پس اگر راست می‌گویید سخنی همانند آن بیاورید». تحدی به آوردن مانند قرآن (و کل آن) بیان شده است.
۲. در آیه ۱۳ سوره هود: «قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛

بگو اگر راست می‌گویید شما هم ده سوره همانند سوره‌های دروغین بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید غیر از خدا (برای این کار دعوت کنید)». تحدی به آوردن ۱۰ سوره، همانند سوره قرآن آمده است.

۳. در آیات: ۲۳ سوره بقره: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ؛ یک سوره، همانند آن بیاورید». و ۳۸ سوره یونس: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ؛ یک سوره همانند آن بیاورید». تحدی به آوردن یک سوره، همانند سوره قرآن بیان شده است. (برای توضیح بیشتر ر.ک: جواهری، ۱۳۹۵: ۱۱۵ - ۱۱۴)

البته در ترتیب نزول این آیات از لحاظ تاریخ نزول، اختلاف نظر است؛ برخی دانشمندان، ترتیب را تنزلی می‌دانند یعنی تحدی از کل قرآن به ده سوره و سپس به یک سوره تنزل پیدا کرده است (و این تخفیف و تنزل در تحدی، به دلیل عجز انسان از مرحله قبلی است)؛ اما مشهور آن است که پس از تحدی به کل قرآن (البته آن مقدار از قرآن که تا آن زمان نازل شده و یا به قول مشهور کل قرآن و شاید منظور، جنس قرآن است نه مقدار خاصی از آن)، ابتدا تحدی به یک سوره آمده و در نهایت تحدی به ده سوره نازل شده است و این ترتیب با تنزل و تخفیف ناسازگار است که در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت آیه‌ای که تحدی به یک سوره کرده، اولاً منظور، سوره بقره است و ثانیاً مقصود، سوره‌ای است که تمام ویژگی‌ها، شرایط و اعجازی که در نوع سوره قرآنی مشاهده می‌شود در این سوره وجود داشته باشد؛ اما آیه‌ای که به ده سوره تحدی کرده است منظور، آوردن سوری است که هر کدام دارای برخی از ویژگی‌ها و اعجاز موجود در قرآن باشد (و اعجاز قرآنی در مجموع آن ده سوره یافت شود). (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۲۱؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۰۷ - ۹۸؛ بهجت‌پور و بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۸۰ - ۷۹)

اما نهایتاً می‌توان گفت که تقلیل تحدی از کل کتاب به یک سوره، نشان از آن دارد که گوینده و آورنده این اعجاز، اطمینان دارند که (با توجه به دائمی بودن این معجزه از لحاظ زمانی و مکانی) هیچ‌یک از افراد بشر امکان آوردن مانند آن را (حداقل از لحاظ وقوعی) ندارند.

۹-۱. بررسی عقلی و ریاضی مسئله

در این قسمت که مهم‌ترین بخش مقاله بوده و درصدد بیان دیدگاه سومی در قبال دو دیدگاه مشهور هستیم، براساس محاسبات ریاضی اثبات خواهیم کرد که تحدی قرآن از نوع امتناع وقوعی است اما نه براساس «مذهب صرفه» (که معتقد بود، خداوند، انسان را از آوردن مثل قرآن عاجز کرد) بلکه از آن جهت که تعداد جملات فصیح و بلیغ (و یا دارای دیگر موارد اعجاز) در کلام عرب، تنها همین مواردی است که در قرآن ذکر شده است و جمله فصیح و بلیغ و... دیگری در کلام عرب (در تراز قرآن) وجود ندارد که کسی بخواهد بیاورد.

۲. بیان محاسبات ریاضی

در ابتدا تعداد لغات موجود در زبان عربی را در نظر می‌گیریم که هرچند در تعداد آنها اختلاف وجود دارد

اما بی‌تردید محدود هستند. جملات نیز (با هر تعداد کلمه در نظر گرفته شود) از ترکیب همین لغات محدود حاصل می‌شود که نتیجه، باز هم محدود خواهد بود:

تعداد کلمات در زبان عرب $k =$

تعداد جملات یک کلمه‌ای $k \times k = k^2 =$

تعداد جملات دو کلمه‌ای $k \times k \times k = k^3 =$

تعداد جملات n کلمه‌ای $k \times k \times k \times \dots \times k = k^n =$

تعداد کل جملات احتمالی در زبان عربی $k + k^2 + k^3 + \dots + k^n =$

از حاصل جمع جملات (از یک کلمه‌ای تا n کلمه‌ای) تعداد تمام جملات احتمالی در زبان عرب به دست می‌آید که این جملات شامل تمامی آیات قرآن نیز می‌شود و فرمول نهایی آن عبارت است از:

$$k + k^2 + k^3 + \dots + k^n = \frac{k^{n+1} - k}{k-1}$$

(ر.ک: فروند، ۱۳۸۷: ۸)

بی‌تردید نتیجه حاصل شده از فرمول مذکور عددی بسیار بزرگ است اما باید توجه داشت که: اولاً: این عدد محدود است.

ثانیاً: شامل تمام جملات احتمالی که ساخت آن با کلمات عرب امکان‌پذیر است (از جمله آیات قرآن) می‌باشد. باید توجه داشت که این مجموعه از جملات، علاوه بر جملات معنادار و فصیح و بلیغ، تمامی جملات مهمل، بی‌معنا، عرفی، بدون فصاحت و بلاغت (در حد و اندازه قرآن) و... را نیز در برمی‌گیرد.

حال اگر صدها قوانین صرف و نحو و نیز قواعد بلاغت را در مورد تعداد جملات مذکور در نظر گرفته و با استفاده از این قواعد، جملاتی که برخلاف آنها ساخته شده را کم کنیم، تعداد جملات به صورت چشمگیری کاهش می‌یابد و اگر از میان جملات باقی‌مانده، جملاتی که از لحاظ فصاحت و بلاغت و... فاصله معنادار و زیادی با مابقی جملات داشته باشد را جدا کنیم بی‌تردید شاهد جملات قرآن در میان آنها خواهیم بود. حتی می‌توان با استفاده از فرمول مذکور و در کنار هم قرار دادن جملات معنادار (براساس قانون احتمالات)، کتاب‌هایی نیز به دست آورد که اگرچه تعداد آنها از تعداد جملات احتمالی، بسیار بیشتر است اما اولاً: (همانند جملات) محدود است و ثانیاً: یکی از کتاب‌های حاصله، بی‌تردید قرآن خواهد بود (دقیقاً با همین سوره و آیات موجود در قرآن موجود).

براساس آنچه گفتیم اکنون می‌توان به این پرسش مهم پاسخ داد که چگونه است قرآن کریم در مقام تحدی، حتی به یک سوره هم اکتفا کرده است؟ و حتی (با توضیحی که در ذیل بدان اشاره می‌شود) می‌توان آن یک سوره را هم در حد یک آیه تقلیل داد. این اطمینانی که در خصوص تحدی در قرآن (آن

هم تا روز قیامت و با همراهی جن و انس) مشاهده می‌شود می‌تواند ناشی از آن باشد که اساساً جمله‌ای که بتوان آن را در قالب حتی یک آیه هم بیان کرد در این سطح از فصاحت و بلاغت و... وجود ندارد که جن و انس بخواهند آن را جستجو کنند؛ یعنی با تمام امکانات امروزی هم، چیزی فراتر از همین جملات موجود در قرآن (در کلام عرب) وجود ندارد تا بتوان با آن تحدی کرد.

به تعبیر دیگر تحدی قرآن نوعی کاشفیت (و خبر) است از اینکه تمام جملات فصیح و بلیغ و... که از مابقی جملات امکانی در کلام عرب، برتر است، در قرآن جمع شده و کلامی باقی نمانده تا بتوان با آن به تحدی با قرآن برخاست.

۳. شبیه‌سازی قرآن

در اینجا به ذکر چند پرسش و پاسخ در این خصوص می‌پردازیم:

۱. در تحدی قرآن از یک سوره هم نام‌برده شده است که اگر کوچک‌ترین سوره قرآن یعنی کوثر را در نظر بگیریم که دارای ۴ آیه (با احتساب بسم‌الله...) است و بخواهیم چیزی شبیه آن بیابیم می‌توان گفت: که آیه اول «بسم‌الله...» است و می‌توان آیه دوم و حتی سوم را هم (مانند سوره شوری) با حروف مقطعه جایگزین کنیم، لذا می‌توان تنها با یک آیه معنادار به تحدی علیه قرآن برخاست (البته قرآن از یک آیه به منظور تحدی استفاده نکرد زیرا می‌توان حروفی را به‌عنوان حروف مقطعه و به‌عنوان یک آیه در نظر گرفت و ادعای تحدی کرد)؛ و حتی اگر بخواهیم هر سه آیه را نیز با جملاتی محدود و چندکلمه‌ای ایجاد کنیم با استفاده از فرمول فوق، کاری بسیار آسان و سریع است.

۲. به‌صورت کلی می‌توان اعلام کرد که ما براساس فرمول فوق توانسته‌ایم به جملاتی عین قرآن و شبیه قرآن دست‌یابیم و این همان پاسخ به تحدی قرآن است.

پاسخ: پس از اثبات عقلی حق‌تعالی (در ذات و صفات) و اثبات نبوت عامه و پس از آن اثبات نبوت خاصه براساس معجزه (و یا دیگر دلایل اثبات شخص نبی) و اثبات شخص نبی به همراه مدعای او و اینکه از شرایط معجزه، ابطال اعمالی شبیه آن از سوی افراد متنبی و مدعی، توسط حق‌تعالی براساس «قانون لطف» به منظور جلوگیری از اغوا و انحراف عامه مردم است (زیرا در غیر این صورت شناخت نبی الهی از متنبی و به‌تبع آن انجام واجبات و ترک محرمات برای بندگان غیرممکن خواهد بود)، (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۹۹ - ۲۹۰) و نیز اینکه معجزه‌ای مانند قرآن، دائمی و جاودانه است (و از سویی در آیات تحدی، به صرف آوردن شبیه سوره قرآن اشاره شده و حداقل در برخی از آیات تحدی، ادعای نبوت را شرط ندانسته است) به این نتیجه می‌رسیم که: تعداد جملاتی که در عرب از اوج فصاحت و بلاغت و بلندی مفهوم و دارای بطون متعدد و... است تنها همین جملاتی است که از سوی حق‌تعالی (در یک لحظه) بر رسول‌الله ﷺ

نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ همانا ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم». (قدر / ۱) و دیگر هیچ جمله‌ای در این حد و اندازه وجود ندارد که کسی بخواهد آن را با هر محاسبه ایجاد کند.

حتی اگر دوران نبوت رسول اکرم ﷺ طولانی‌تر هم بود باز چیزی بر قرآن افزوده نمی‌شد زیرا براساس آیات ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ؛ همانا آنچه را که رسول خدا بر شما می‌خواند قرآن کریم است؛ آن خوانده شده در کتاب محفوظ جای دارد». حقیقت قرآن امری مجرد و در لوح محفوظ است و امور مجرد (که فرتر از زمان و مکان‌اند) نه چیزی به آن اضافه می‌شود و نه کم می‌شود (زیرا کم و زیاد شدن مربوط به عالم زمان است) و لوح محفوظ همان علم الهی است که مطلق و نامحدود بوده و نقص و کاستی یا حالت منتظره‌ای در آن نیست تا بخواهد جبران شود یا بدان برسد.

بنابراین امتناع از آوردن چیزی شبیه قرآن امتناعی وقوعی است اما نه از سنخ «مذهب صرفه» چراکه در این مذهب، امتناع به سبب انصراف و جلوگیری حق تعالی از آوردن شبیه قرآن با تصرف در اذهان بشر بود اما در این دیدگاه راه آوردن جملات بر بشر بسته نیست (و با یک نرم‌افزار ساده می‌توان به این مهم دست یافت) بلکه جمله‌ای در این سطح وجود ندارد که بخواهد در پاسخ به تحدی قرآن ارائه شود. به تعبیر دیگر هست و نمی‌شود آورد....

۳. اشکالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر پیامبر اکرم ﷺ در این زمان مبعوث شده و قرآن (با وجود چنین نرم‌افزارهایی) می‌خواست تحدی کند (و یا اینکه چنین امکانی در زمان رسول‌الله ﷺ وجود داشت) آیا تحدی و به تبع آن اعجاز قرآن و نبوت ایشان، جملگی، ابطال نمی‌شد؟ و آیا این اشکال در مورد دیگر معجزات (حداقل برخی از معجزات) انبیاء الهی ﷺ (که در زمان خود امری خارق‌العاده بوده و امکان دارد که در آینده با پیشرفت علم، به آسانی توسط عموم انسان‌ها یا حداقل دانشمندان، صورت گیرد) نیز صادق است؟

پاسخ: اولاً؛ یکی از شرایط معجزه (آن گونه که در بالا ذکر شد) هم‌زمانی ادعای نبوت الهی با معجزه است و اگر کسی امری خارق‌العاده را بدون ادعای نبوت انجام دهد آن را معجزه نمی‌نامند اما اگر این ادعا با آن عمل همراه شود حق تعالی براساس قانون لطف از آن جلوگیری می‌کند؛ پس صرف انجام آن، ملاک تحدی نیست (البته این امر یعنی جلوگیری یا ابطال آن به منظور ممانعت عموم مردم از اغوا و فریب مدعیان، می‌تواند با مذهب صرفه توجیه شود).

ثانیاً؛ صرف نظر از شرط و قانون فوق‌الذکر، باید به این مسئله مهم توجه کنیم که به‌رحال انبیاء ﷺ، در زمانی این معجزات و امور خارق‌العاده را انجام داده‌اند که هیچ امکان علمی برای تحقق آنها نبوده است و خود آنها نیز به اذعان تاریخ و حتی مخالفان آنها، هیچ آموزشی در این گونه امور نداشته‌اند. مثلاً فرعون

معتبر بود که عمل موسی علیه السلام، معجزه الهی است: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ * وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا؛ و هنگامی که آیات روشنی‌بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند این سحری است آشکار؛ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند درحالی که در دل به آن یقین داشتند پس بنگرید چگونه است عاقبت فسادکننده‌ها»؛ (نمل / ۱۴ - ۱۳) اگرچه در نزد عموم، ایشان را متهم به سحر می‌کرد: «قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَ يُدْبِبَا يَطْرِقَتِكُمُ الْمُثُلِي؛ گفتند این دو مسلماً ساحرند می‌خواهند شما را با سحرشان از سرزمینتان بیرون کنند و آئین عالی شما را از بین ببرند»؛ (طه / ۶۳) و یا همه از جمله مخالفان، اذعان داشتند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فردی «امی» و درس ناخوانده بوده است: «وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ يَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُطَّلُونُ؛ و تو ای پیغمبر هرگز قبل از این کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی بنابراین مبدا کسانی که درصدد ابطال سخنان تو هستند شک و تردید کنند». (عنکبوت / ۴۸) و «فَأَمُّوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش آن پیامبر درس ناخوانده‌ای که ایمان به خدا و کلماتش دارد». (اعراف / ۱۵۸) و آوردن جملاتی شبیه به آن (که اثبات علمی برخی از مطالب آن در عصر کنونی و براساس اکتشافات دانشمندان تجربی صورت گرفته است) در آن زمان و خصوصاً برای شخصی این چنین، غیرممکن بوده است.

ثالثاً: علاوه بر موارد پیش گفته، امروزه نیز با توجه به برخی شرایط اجتماعی و سیاسی و حضور اسلام در عرصه نظام سازی سیاسی و مدیریت نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، انگیزه مواجهه با قرآن همچنان وجود دارد حتی می‌توان گفت که این انگیزه در دوران معاصر نه تنها کاهش نیافته بلکه بیشتر نیز شده است بنابراین علی‌رغم این انگیزه، در مقام وقوع، چنین چیزی رخ نداده است.

رابعاً: براساس آنچه گفتیم و نیز محاسباتی که بیان کردیم و با توجه به اینکه لغات بشری در هر زبانی (حتی اگر در طول زمان بر آن اضافه شود) محدود است و تحدی با قرآن نیز باید در قالب همان لغات و در همان زبان باشد: «قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ؛ یک سوره همانند آن بیاورید»؛ (یونس / ۳۸) می‌توان گفت که تحدی با قرآن حتی در حد یک جمله و آیه نیز تا روز قیامت امکان وقوعی و حتی عقلی ندارد؛ لذا طول زمان و آمدورفت افراد حتی در بالاترین سطح از فصاحت و بلاغت هم نمی‌تواند ضرری بر این ادعا و تحدی وارد سازد و این اطمینان، از خواص استدلال‌های دقیق ریاضی است که منحصر در زمان و مکان و افراد نیست و خاصیتی است عقلی که تکویناً در آن قرار گرفته و به نظر می‌رسد اموری مانند بداء نیز در آن راه نداشته باشد، لذا با اطمینان خاطر می‌توان به آنها تمسک کرد.

خامساً: از آنجایی که قرآن تنها معجزه جاوید و در دسترس همگان است علاوه بر اثبات صدق مطالب خود، ادعای آورنده آن (نبوت او) و نیز گفتار و رفتار او را نیز اثبات می‌کند (عصمت) و از آنجایی که معجزات انبیا

سلف^{علیهم‌السلام} نیز در اختیار ما نبوده و حداکثر از طریق گزارش‌های تاریخی می‌توان آنها را محتمل دانست، می‌توان، با توجه به متن قرآن، با اطمینان، وجود آن انبیاء و معجزات آنها را به‌صورت قطعی پذیرفت و بدان اذعان نمود. به تعبیر دیگر می‌توان گفت تنها راهی که در این زمان می‌توان با استفاده از آن به‌وجود انبیاء^{علیهم‌السلام} و دستورات آنها و... اطمینان حاصل نمود، وجود قرآن، آن هم به‌صورت معجزه‌ای قطعی است به‌گونه‌ای که همگان یقین حاصل کنند که همان‌گونه که تاکنون مانند آن نیامده در آینده نیز (تا قیامت) کسی مانند آن را نمی‌تواند بی‌آورد و این مهم تنها با چنین استدلال‌ات محکم و عقلی قابل توجیه است.

۴) ممکن است اشکال شود که شاید زبان عرب در آینده ارتقا یابد و بتوان جملاتی برتر از قرآن ایجاد کرد و یا اینکه زبان جدیدی به‌وجود آید که عبارت آن به مراتب قوی‌تر از قرآن باشد. در پاسخ باید گفت علاوه بر مطالب فوق باید اضافه کنیم که:

اولاً: آن‌چنان که در طول تاریخ عرب پیداست این زبان روبه ضعف است نه قوت؛ ثانیاً: تحدی قرآن فقط به فصاحت و بلاغت نبوده تا با ارتقا زبان عرب یا با ایجاد زبان جدیدی در موضع ضعف قرار گیرد و مطالب علمی و... از اموری است که با هر زبانی هم بیان شود به چالش کشیده می‌شود؛ ثالثاً: همان‌گونه که گفتیم اعجاز یک امر باید در همان زمان و مکان خودش بررسی شود که آن هم‌زمان رسول‌الله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بوده؛ لذا در آن زمان و با آن زبان‌های موجود و آن موقعیت زبان عرب، کسی در معجزه بودن قرآن و به‌تبع آن رسالت ایشان تردید نداشت و اگر در زمان‌های بعد (به فرض محال) اتفاقی رخ دهد، ضرری به اعجاز قبلی نمی‌خورد و این در مورد اعجاز دیگر انبیاء^{علیهم‌السلام} نیز صادق است (هرچند ما در قسمت «اقسام معجزه» گفتیم که قرآن معجزه‌ای دائمی و ابدی است و این مهم علاوه بر فصاحت و بلاغت با اعجازهای علمی و... قابل اثبات است اما در اینجا صرفاً درصدد بیان این نکته هستیم که ثابت کنیم قرآن معجزه است).

نتیجه

در این مقاله پس از بیان توضیحاتی در خصوص تعریف معجزه، شرایط، اقسام و... به تبیین دو مذهب مشهور در خصوص امتناع و عجز بشر از آوردن همانندی برای قرآن (و حداقل ۱۰ یا یک سوره) پرداختیم و نیز اینکه براساس «مذهب صرفه» (که دیدگاه مشهور متقدمان از علمای شیعی است) ناتوانی انسان، از نوع امتناع وقوعی بوده و سبب آن هم خود حق تعالی است که اذهان انسان‌ها را (تا قیامت) از آوردن متنی شبیه به قرآن منصرف کرد (که این انصراف مربوط به بعد از نزول قرآن است نه قبل از آن) و براساس مذهب مشهور، (که دیدگاه عموم علمای شیعه بعد از متقدمان تاکنون است)، عجز بشر، از نوع امتناع ذاتی است یعنی عقول انسانی ذاتاً نمی‌تواند چنین متنی را خلق کنند و این ربطی به قبل یا بعد از

نزول قرآن ندارد. اما در دیدگاهی دیگر (که براساس محاسبات ریاضی صورت گرفته و با نرم‌افزاری ساده امکان محاسبه دقیق آن امکان‌پذیر است) ثابت کردیم که با توجه به محدود بودن کلمات در زبان عربی و نیز وجود قواعد و قوانین فراوان صرفی و نحوی و نیز معانی و بیان و بلاغت و... و در نظر گرفتن مفاهیم عالی و بلند، تعداد جملاتی که به‌عنوان آیه (و مجموعاً به‌عنوان سوره و نهایتاً قرآن) به‌دست می‌آید، بی‌تردید محدود خواهد بود و از آنجایی که براساس فرمول مذکور، تمام جملات احتمالی و ممکن براساس کلمات موجود در زبان عرب، قابل احصا و دست‌یابی است، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تمامی آیات قرآن، در این مجموعه وجود دارد؛ ثانیاً هر جمله‌ای که احتمال می‌رود بتواند از لحاظ فصاحت و بلاغت و... تحدی قرآن را ابطال نماید در آن موجود است؛ اما از آنجاکه این متن اولاً در زمانی صادر شده که امکان چنین محاسبه‌ای نبوده و ثانیاً آورنده آن درس ناخوانده است و ثالثاً خدای تعالی براساس قانون لطف، هر امر خارق‌العاده‌ای را که آورنده آن، ادعای نبوت نیز داشته باشد ابطال می‌کند و رابعاً اثبات نبوت ایشان براساس دیگر معجزات؛ می‌توان نتیجه گرفت که قرآن به‌عنوان معجزه‌ای الهی است و تحدی آن (که بدون محدودیت زمانی و مکانی است) ثابت می‌کند که هیچ جمله‌ای در حد و اندازه قرآن در کلام عرب یافت نمی‌شود که بتوان آن را به منظور ابطال تحدی و ابطال معجزه استفاده نمود؛ به تعبیر دیگر تعداد جملات فصیح و بلیغ، با معانی بلند و... تنها همین آیات موجود در قرآن است. لذا امتناع از آوردن چیزی همانند سور قرآن، امتناعی وقوعی است (اما نه از باب انصراف اذهان یا قلوب توسط حق تعالی بلکه به جهت نبود جمله یا جملاتی در سطح آیات قرآن) و به تعبیر دیگر، تحدی قرآن، نوعی کاشفیت و خبر از عدم وجود جملاتی همانند و هم‌تراز با متن قرآن است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. آمدی، سیف‌الدین، ۱۴۲۳ ق، *أبتکار الأفكار فی أصول الدین*، تحقیق: محمد مهدی احمد، قاهره، دار الکتب.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، مصحح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۳. بسمل، مجید، ۱۳۸۳، «اعجاز عددی قرآن»، *آموزش قرآن*، شماره ۶، ص ۳۶ - ۳۳.
۴. بغدادی، عبدالقاهر، ۲۰۰۳ م، *أصول الإیمان*، محقق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۵. بهجت پور، عبدالکریم و زهرا بهجت پور، ۱۳۹۴، «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی»، *قبسات*، سال

بیستم، ص ۹۶ - ۶۷.

۶. پهلوان، منصور و چینی‌فروشان، ۱۳۹۱، «شکوه اعجاز قرآن از دیدگاه امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»، **پژوهشنامه علوی**، سال سوم، شماره ۱.
۷. جواهری، سید محمدحسن، ۱۳۹۵، «واکاوی ملاک تحدی در قرآن و نقد منطق تنزلی»، **پژوهش‌های قرآنی**، سال ۲۱، شماره ۲، ص ۱۳۵ - ۱۱۰.
۸. رضایی، محمدعلی، ۱۳۸۱، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، رشت، کتاب مبین.
۹. سبزواری، ملاحادی، ۱۳۸۳، **آسوار الحکم**، مصحح: کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی.
۱۰. سید مرتضی، ۱۳۸۲، **الموضح عن جهه اعجاز القرآن**، مشهد، آستان قدس.
۱۱. شافعی، کمال‌الدین محمد، ۱۴۲۵ ق، **المسامرة شرح المسایرة فی العقائد المنجیة فی الآخرة**، محقق: کمال‌الدین قاری؛ عزالدین معمیش، بیروت، المكتبة العصرية.
۱۲. شریف ارضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ ق، **نهج البلاغه**، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۵. طوسی، محمدحسن، ۱۴۰۶ ق، **الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد**، بیروت، دار الاضواء، چاپ دوم.
۱۶. فروند، جان، ۱۳۸۷، **آمار ریاضی**، ترجمه محمدقاسم وحیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. محمدی، علی، ۱۳۷۸، **شرح کشف المراد**، قم، دار الفکر، چاپ چهارم.
۱۸. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، **قرآن‌شناسی**، محقق: محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۱۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، **أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات**، قم، المؤتمر العالمي للشیخ المفید.
۲۰. مؤدب، سید رضا، ۱۳۷۸، «دیدگاه راغب اصفهانی در اعجاز قرآن و نقد آن»، **پژوهش‌های فلسفی - کلامی**، شماره ۱، ص ۱۹ - ۶.
۲۱. میرمحمدی، ابوالفضل، ۱۳۷۰، «تحدی و صرفه»، **مجله مقالات و بررسی‌ها**، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. هیتو، محمدحسن، ۱۴۲۱ ق، **المعجزة القرآنیة**، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.